

ماه شعبان، ماه امامت

امام خمینی

این عید سعید بر همه مسلمین جهان و مستضعفان مبارکباد. ما در ماه شعبان هستیم و چند روز دیگر در ماه رمضان واقع می‌شویم. ماه رمضان، ماه نبوت است و ماه شعبان، ماه امامت. ماه رمضان، لیلۀ القدر دارد و ماه شعبان، شب نیمه شعبان دارد که تالی لیلۀ القدر است. ماه رمضان مبارک است برای اینکه لیلۀ القدر [دارد] و ماه شعبان مبارک است برای اینکه نیمه شعبان دارد. ماه رمضان مبارک است برای اینکه نزول وحی در او شده است یا به عبارت دیگر، معنویت رسول خدا وحی را نازل کرده است، و ماه شعبان معظم است برای اینکه ماه ادامه همان معنویات ماه رمضان است. این ماه مبارک رمضان جلوه لیلۀ القدر است که تمام حقایق و معانی در او جمع است. ماه شعبان، ماه امامان است که ادامه همان است. در ماه مبارک رمضان، مقام رسول اکرم ﷺ به ولایت کلی الهی بالاصلح تمام برکات را در این جهان بسط داده است. و ماه شعبان، که ماه امامان است، به برکت ولایت مطلقه، به تبع رسول‌الله همان معانی را ادامه می‌دهد...

ماه شعبان، ماه ولایت است و همه این معانی را ادامه می‌دهد. ماه رمضان مبارک است که قرآن بر او وارد شده است، و ماه شعبان مبارک است که ادعیه ائمه در او وارد شده است



مفهوم واقعی انتظار فرج

مقام معظم رهبری

انتظار فرج یک مفهوم بسیار وسیع و گسترده‌ای است. یک انتظار، انتظار فرج نهایی است؛ یعنی این که بشریت اگر می‌بیند که طواغیت عالم ترک‌تازی می‌کنند و چپاولگری می‌کنند و افسارگسیخته به حق انسان‌ها تعدی می‌کنند، نباید خیال کند که سرنوشت دنیا همین است؛ نباید تصور کند که بالاخره چاره‌ای نیست و بایستی به همین وضعیت تن داد؛ نه، بدانند که این وضعیت یک وضعیت گذراست - «لبالابل جوله» - و آن چیزی که متعلق به این عالم و طبیعت این عالم است، عبارت است از استقرار حکومت عدل؛ و او خواهد آمد.

انتظار فرج و گشایش، در نهایت دورانی که ما در آن قرار داریم و بشریت دچار ستم‌ها و آزارهاست، یک مصداق از انتظار فرج است، لیکن انتظار فرج مصداق‌های دیگر هم دارد. وقتی به ما می‌گویند

منتظر فرج باشید، فقط این نیست که منتظر فرج نهایی باشید، بلکه معنایش این است که هر بن‌بستی قابل گشوده شدن است. فرج، یعنی این؛ فرج، یعنی گشایش. مسلمان با درس انتظار، فرج می‌آموزد و تعلیم می‌گیرد که هیچ بن‌بستی در زندگی بشر وجود ندارد که نشود آن را باز کرد و لازم باشد که انسان ناامید دست روی دست بگذارد و بنشیند و بگوید دیگر کاری نمی‌شود کرد؛ نه، وقتی در نهایت زندگی انسان، در مقابله با این همه حرکت ظالمانه و ستمگرانه، خورشید فرج ظهور خواهد کرد، پس در بن‌بست‌های جاری زندگی هم همین فرج متوقع و مورد انتظار است.

این، درس امید به همه انسان‌هاست؛ این، درس انتظار واقعی به همه انسان‌هاست؛ لذا انتظار فرج را افضل اعمال دانسته‌اند؛ معلوم می‌شود انتظار، یک عمل است، بی‌عملی نیست. نباید اشتباه کرد، خیال کرد که انتظار یعنی این که دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم تا یک کاری بشود. انتظار یک عمل است، یک آماده‌سازی است، یک تقویت انگیزه در دل و درون است، یک نشاط و تحرک و پویایی است در همه زمینه‌ها. این، در واقع تفسیر این آیات کریمه قرآنی است که: «و نريد ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» یا «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین» یعنی هیچ‌وقت ملت‌ها و امت‌ها نباید از گشایش مأیوس شوند.

آمادگی برای پذیرش نسخه پزشک

آیت‌الله مصباح یزدی

از آنجا که خدای بزرگ می‌داند در آینده زمانی فرا می‌رسد که بیشتر مردم، لیاقت حکومت عدل الهی را می‌یابند، با غایب ساختن امام زمان، حضرت را از بلاها حفظ فرموده است تا شرایط لازم برای جهانی‌سازی عدل و معرفت و عبودیت فراهم آید. در آستانه ظهور امام زمان، هرچند زمین پر از ظلم و جور می‌شود، آمادگی برای پذیرش حق میان مردم بیش از پیش خواهد شد. می‌توانید چنین وضعیتی را در قالب مثالی عادی تصور کنید: شخصی را فرض کنید که سرش درد می‌گیرد و این سردرد چنان به او فشار می‌آورد که آسایش او را به کلی سلب می‌کند و هیچ عضو سالمی برای او باقی نمی‌گذارد. چنین فردی هر قدر هم که سرسخت باشد، عاقبت به پزشک مراجعه و به نسخه او عمل خواهد کرد. عالم نیز همین‌گونه است. ستم و فاجعه و جنایت در این عالم روز به روز بیش‌تر می‌شود تا دنیا به جایی می‌رسد که از آن به «ملئت ظلما و جورا» تعبیر می‌شود و این مثل همان مریضی است که هرچه درد او افزون‌تر می‌شود، آمادگی‌اش برای پذیرفتن نسخه پزشک بیش‌تر می‌شود؛ به‌ویژه وقتی راه‌های گوناگون را برای درمان بیماری‌اش می‌آزماید و از همه‌جا سرخورده می‌شود، آن‌وقت در برابر نسخه طبیب به‌طور کامل تسلیم می‌شود.

آری، تمام مردم جهان، تشنه نظام مبتنی بر حقیقت و عدالت هستند و این نظام، جز در اسلام در هیچ‌جای دیگری یافت نمی‌شود و حاکمان جبار، دیر یا زود به این نظام گردن خواهند نهاد؛ آن‌وقت است که جامعه بشری، لیاقت حکومت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه را خواهد یافت.

یک حرف و هزار حرف

فرج؛ و انتظاری که ما داریم!

استاد شهید مرتضی مطهری

انتظار ظهور یعنی چه؟ افضل‌الاعمال انتظار الفرج یعنی چه؟ بعضی خیال می‌کنند اینکه افضل‌الاعمال انتظار فرج است، به این معناست که انتظار داشته باشیم امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه با عده‌ای که خواص اصحابشان هستند یعنی ۳۱۳ نفر و عده‌ای غیر خواص ظهور کنند، بعد دشمنان اسلام را از روی زمین بردارند، امنیت و رفاه و آزادی کامل را برقرار کنند، آن‌وقت به ما بگویند بفرمایید! ما انتظار چنین فرجی را داریم و می‌گوییم افضل‌الاعمال هم انتظار فرج است! (یعنی بگیر و ببند بده به‌دست من پهلوان)، نه، انتظار فرج داشتن یعنی انتظار در رکاب امام بودن و جنگیدن و احیانا شهید شدن. یعنی آرزوی واقعی و حقیقی مجاهد بودن در راه حق. نه آرزوی این که تو برو کارها را انجام بده بعد که همه کارها انجام شد و نوبت استفاده و بهره‌گیری شد آن‌وقت من می‌آیم! مانند قوم موسی که اصحاب پیغمبر گفتند: یا رسول‌الله ما مانند قوم موسی نیستیم. وقتی به نزدیک فلسطین که عمالقه در آنجا بودند رسیدند و دیدند یک عده مردان جنگی در آنجا هستند گفتند: ...مالینجا نشسته‌ایم تو و خدا بروید بجنگید آنجا را تصفیه و از دشمن خالی کنید، خانه را آب و جارو بزنید، وقتی برای ما خبر آوردید که هیچ خطری نیست، فقط باید برویم راحت بنشینیم و از نعمت‌ها استفاده کنیم ما به آنجا می‌آیم! موسی گفت: پس شما چی؟ شما هم وظیفه دارید که



دشمن را که خانه شما را اشغال کرده است از خانه‌تان بیرون کنید. اصحاب پیغمبر مانند مقدار گفتند: یا رسول‌الله! ما آن حرف را نمی‌زنیم که بنی‌اسرائیل گفتند: ما می‌گوییم: یا رسول‌الله شما اگر فرمان بدهید که خودتان را به دریا بریزید، به دریا می‌ریزیم، به آتش بزنید، به آتش می‌زنیم.

انتظار فرج داشتن یعنی واقعا در نیت ما این باشد که در رکاب امام زمان و در خدمت ایشان دنیا را اصلاح کنیم. در زیارت ابا عبدالله می‌گوییم: یا لیتنا کنا معک فننقو فورا عظیما (که یک ورد شده برای ما و به معنای آن هم توجه نمی‌کنیم) یا ابا عبدالله! ای کاش ما با تو بودیم و رستگاری عظیم پیدا می‌کردیم. معنایش این است که ای کاش ما در خدمت تو بودیم و شهید می‌شدیم و از راه شهادت رستگاری عظیم پیدا می‌کردیم. آیا این ادعای ما از روی حقیقت است؟ افرادی هستند که از روی حقیقت ادعا می‌کنند ولی اکثر ما که در زیارتنامه‌ها می‌خوانیم لقل زبان است.